



پیارے عورتوں

شرائط و

سلام



«پیشران» زندگی چیست؟

جلسه دوم – ۲۶ مهر ۱۴۰۰

برای احساسِ «**تعهد**»،

و برخورداری از «**رحمتِ الهی**»،

باید بفهمیم که:

«از **کجا** و در **کجا** و عازمِ **کجا**» هستیم.

چون « منشأ حیات » فقط اوست:

هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (غافر/۶۵)

پس « حیات و زندگی » ما،

« جلوهٔ اراده و حیاتِ » اوست.

« حیاتِ الهی »، « بروز و ظهورِ دائمی » دارد.

« حیاتِ الهی »، « آفرینشی تازه » شونده « است.

« حیاتِ الهی »، « جریانی بدون وقفه » است.

« حیاتِ الهی »، « قبض و بسطِ دائمی » دارد،

و قرآن می‌خواهد مردم، آن را « ببینند و بفهمند ».

پس برای انسان، هیچ «**افتخار**» و هیچ «**سرمایه‌ای**»،

«**باشکوه‌تر**» و «**ارزشمندتر**» از این نیست که،

«**مظهرِ حیات** و **ارادهٔ الهی**» است.

و این «**ارادهٔ**» الهی است که دائماً در ما «**جریان**» دارد.

پس خیلی باید «**قدر**» این «**حیات و زندگی**» را بدانیم.

خداوند، « **حیات** » و « **زندگی** » را

در « **دو مرحله** » در انسان، « **جاری** » می‌کند:

۱- « **زندگی** و **حیات** موقت **دُنْیوی** »،

۲- « **زندگی** و **حیات** جاودانه **اُخروی** »:

و الآن در مرحله « زندگی نزدیک » هستیم:

يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

(غافر/ ۳۹)

ای قوم من؛ این زندگی دنیا ... است ...

« چرا خدا حیات » را در ما جاری می کند؟

تا دائماً و با هر چیزی « **آزمایش** » شویم:

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ **نَبْتَلِيهِ** - (إنسان/۲)

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ **لِيَبْلُوَكُمْ** - (مُلک/۲)

چرا باید «آزمایش» شویم؟

اول: برای اینکه « **توانائی‌های پنهان** » ما،

با انواع « **ابتلائات** »، « **شکوفای** » شوند.

دوم: برای این که افرادِ « **شاکر و کافر** »،

« **مشخص** » و از یکدیگر « **تفکیک** » شوند.

پرسش ۱:



فرقِ « شاکر » با « کافر » چیست؟

« شاکر »، « نعمت‌ها » و « حیات » را

« در » درون و بیرونش « جاری » می‌کند.

اما « کافر » با « نعمت‌ها، بازی » می‌کند،

و « در » آنها، « متوقف » می‌شود.

لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا

وَيَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (یس / ۷۰)

تا هر که را « زنده » است « هشدار » دهد (تا به سعادت برسد)،

و « وعده مجازات » بر کافرین محقق شود. چرا مجازات؟

بخاطر جلوگیری از « تجلّی حی » در درون و بیرون خود.

إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى

در چند جلسه دیگر خواهیم دید که:

« شاکر »، « پشیرانِ زندگی » دارد،

اما « کافر »، « پشیرانِ زندگی » ندارد.

دليل سوم:



برای اینکه « زیبا آفرینی » هر یک از افراد معلوم شود:

لَيَنْلُوْكُمْ اَيْكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا (مُلک/۲)

لَيَنْلُوْكُمْ اَيْكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا ... (هود/۷)

... تا شما را بیازماید که کدامیک از شما نیکو کارترید ...

پرسش ۲:



چه کاری «أحسن عمل» است؟

کارِ « سیاسی »؟ یا: « اجتماعی »؟

کارِ « فرهنگی »؟ یا: « علمی »؟ یا: « دینی »؟

کارِ « اقتصادی »؟ یا: « کشاورزی »؟ یا: « دامپروری »؟

کارِ « پزشکی »؟ یا: « خدماتی »؟ یا: « مهندسی »؟

کارِ « خانوادهداری »؟ یا: « خانه‌داری »؟ یا کارِ « آزاد »؟

از این همه « مشاغل » مختلف کدامیک « أحسن عمل » است؟

کاری که: « حُسن فاعلی » و « حُسن فعلی » داشته باشد. یعنی:

از نظر عقل و شرع و قانون و عرف، « مجاز » باشد.

و با « موقعیتِ زمانی و مکانی من »، « مناسب و صلاح » باشد.

و در « شرائط خاصی »، « ضروری » باشد.

و با « تعالیم الهی » و « نظر ولی خدا » مطابقت داشته باشد.

و در جهتِ « منافع و اهدافِ دشمنان » نباشد.

دلیل چہارم:



برای روشن شدنِ میزانِ « درک حضور » مردم

و « ایمان » آنها به « إحاطه الهی »،

و در نتیجه، نحوهٔ « رفتارِ » آنها در:

« تنهایی و خلوت و غیب »:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛

لَيَبْلُغَنَّكُمْ **اللَّهُ** بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ

لَيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ **يَخَافُهُ** **بِالْغَيْبِ** (مائده/۹۴)

ای اهل ایمان؛ خدا با چیزی از شکار که به دست می‌آورید و سلاحی که دارید شما را می‌آزماید تا معلوم شود چه فردی در « غیبت » از خداوند « حساب می‌برد » و می‌ترسد، پس آنکه بعد از آن تجاوز کند عذاب دردناکی دارد.

چون «إِحاطَه و معیتِ الهی»

برای مؤمن، «قطعی» است،

لذا او هرگز خودش را «تنها» نمی‌بیند،

و «افسرده» و «متخلف» نمی‌شود.

اما « **کافر** »، چون:

« **إِحَاطَةُ** **الهِی** » را « **قبول** » ندارد،

لذا اگر « **دیگران** » را ناظرِ خود نبیند،

حتماً « **افسرده** » و « **متخلف** » می‌شود.

پرسش ۳:



« غیب » یعنی چه؟

احتمال دارد کلمه « غیب » در آیه:

لَيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ (مائده/۹۴)

« غیبتِ حاکمیتِ سفیرِ خدا » باشد.

که هر « انحراف و تخلفی » محصولِ آنست.

بزرگترین « فاجعه » تاریخ
در « غیبت » حاکمیتِ رسول:

برای « اولین بار » در تاریخ بشر،

و در « غیبتِ حاکمیتِ **رسول الله** » صلی الله علیه و آله،

افرادی « **بد سابقه** » از طرفِ « **خدا** »!!!

برای « **دینِ خدا** » !!! « **جانشین** » تعیین کردند،

و « **اساسِ ظلم** » را تا امروز پایه‌گذاری کردند.

دلیل پنجم:



برای تفکیکِ « **مجاهدین** و **صابرین** » از سایرین:

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ

الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ

وَنَبْلُوا أَخْبَارَكُمْ (محمد/۳۱)

و شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و صابrantان معلوم شوند و اخبارتان را بازرسی کنیم.

« رهائی » در گرو شناسائی « **مجاهدین** » است:

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا؟

وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ

.... (توبه، ۱۶)

آیا می‌پندارید تا خداوند جهادگران شما را نشناسد شما را رهایتان می‌کند....؟

خبر مهم:



قا شناسائی « جہادگران و صابرين »،
« بہشت »، « تعطيل » است!!!!!!

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ؟

وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ

وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ (آل عمران / ١٤٢)

آیا پنداشتید که داخل بهشت می شوید

بی آنکه خداوند جهادگران و شکیبایان شما را معلوم بدارد؟

پرسش ۴:



« **جهاد** » یعنی چه؟

« **جهاد** »،

« **حداکثر مبارزه** مؤمنانه و **مجاز** » با:

« **جهالت** »، « **شرک** »، « **کُفر** »، « **نفاق** »،

« **باطل** »، « **ناحق** »، « **ظلم** »، « **تفرقه** »،

« **هوای نفس** »، « **کافر** »، « **منافق** » ... است.

پرسشی ۵:



« صبر » یعنی چه؟

یعنی: در « مواجهه با ابتلائات، سختی‌ها و مشکلات »،

و « تشخیصِ وظائفِ الهیِ » خود و « انجامِ » آنها،

و در « حلّ مسائل » و « رفع یا عبور از موانع »،

و تا رسیدن به « **حسابرسی** موشکافانه **قیامت** »،

بی‌هیچ « **اعتراضی** »، « **مجاهد** و **مقاوم** » بودن.

« **صبر** » یعنی: در « **مواجهه** » با:

« تلخ‌ترین حرف‌ها » و « ناگوارترین حوادث »،

و در « هر شرايطی »،

از: « موازینِ عقلی، احکامِ شرعی، تعالیمِ الهی »،

هرگز « غافل » و از « کورهٔ حق^۳، در نرفتن » (کم نیاوردن).
48

« **صبر** » یعنی: « **مبارزه** دائمی » با:

غفلت، تنبلی، جهالت، انحراف، تخلف و گناه،
و غرور، تکبر، ظلم، ریا، بخل و نداشتن پیشران؟

و « بدبینی به خداوند » و سایر رذائل،

و « **مراقب** » گفتار، رفتار، اخلاق و **آخرت** خود بودن.

پرسش ۶:



« چقدر » باید صبور بود؟

تا آنجا که « عداوت » (با خودی‌ها) به « همدلی » منجر شود:

... ادْفَعْ بِأَتَىٰ هِيَ « أَحْسَنُ »

فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ « عَدَاوَةٌ » كَانَ هُ وَلِيَّ حَمِيمٍ (۳۴)

وَمَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا

وَمَا يُلَاقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (فصلت/۳۵)

... (بدی را) با زیباترین‌ها دفع کن تا اگر میان تو و او، دشمنی است گویی پیوندی گرم دارید *

52

البته این (خصلت) را جز آنها که صبورند نمی‌یابند و آن را جز صاحب بهره‌ای بزرگ نمی‌یابد.

إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى فِي جُلُوسَاتِ آيُنْدَه خَوَاهِيم دِيدِ كِه:

رَمَزِ مُوَفَّقِيَّتِ « **جِهَادِ گَرَانِ** وَ **صَابِرِينَ** »،

دَر دَاشْتَنِ « **پِشْرَانِ** زَنَدَگِیِ » اَسْت، زَیْرَا:

بِدَوْنِ آن، نَمِی تَوَان « **مَجَاهِدِ** وَ **صَابِرِ** » بُوَد.

چرا مؤمن باید «جهاد» کند؟
و چرا او باید «صبور» باشد؟

چون قرآن،

« **حیاتِ دنیوی** » را

« **پُر چالش** » معرفی می کند به نحوی که:

بدون « **جهاد** و **صبر** », امکان عبور از آنها

و رسیدن به « **حیات** جاودانه » امکانپذیر نیست.

پرستی ۷:



« چالش‌های » دنیا کدامند؟

اعْلَمُوا : أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا :

١- لَعِبٌ

٢- وَ لَهْوٌ

٣- وَ زِينَةٌ

٤- وَ تَفَاخُرٌ ...

٥- وَ تَكَاثُرٌ ...

(حديد / ٢٠)

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

الْأَلَهْوُ وَالْعِبْ ... (عنكبوت/٦٤)

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

الْعِبْ وَالْهَوُ ... (أنعام/٣٢)



خدایا؛

آن « **پیشرانِ زندگی** » را روزیمان قرار ده

تا از « **مجاهدین** » و « **صابرین** » باشیم

و « **غافل و جاهل و متخلف** » نباشیم

و در ظهور آخرین حجت سهریم باشیم.

السلام عليكم و
رحمة الله وبركاته

